

ادبیات فارسی ۲ و زبان فارسی ۳

۱-

(مرتضی منشاری - اردیبل)

(ادبیات فارسی ۲، فهرست واژگان)

هَرَا: صدا و غوغا، آواز مهیب

۲-

(کاظم کاظمی)

معنی درست واژه‌هایی که معنای آن‌ها نادرست آمده است:

مضغ: آسیا کردن غذا در زیر دندان، جویدن / حرز: بازوبند، تعویذ، دعایی که بر کاغذ نویسد و با خود دارند. / نیسان: از ماه‌های رومی است که بخشی از آن در فروردین و بخشی در اردیبهشت واقع می‌شود. / زلت: لغزش، خطا / کتل: تل بلند، پشته‌ی مرتفع / استشاره: رای زدن، مشورت کردن (ادبیات فارسی ۲، فهرست واژگان)

۳-

(الوام مممری)

املا‌ی صحیح واژگان عبارت‌اند از: «مطاوعت و نواهی».

مطاوعت: اطاعت کردن / نواهی: آن‌چه که در شرع ممنوع شده است.

(زبان فارسی ۳، صفحه‌های ۳۰ و ۱۳۰)

۴-

(الوام مممری)

املا‌ی صحیح واژه «مفارقت» است.

«مفارقت» به معنای «جدایی، جدا شدن»، هم‌خانواده‌ی «فراق و فُرقت» است.

**توجه:** «ضایع‌گذاری» به معنای «همال کنی و فروگذار کنی» صحیح به کار رفته است. (زبان فارسی ۳، مشابه صفحه‌ی ۷۴)

۵-

(ممنسن اصغری)

بیت «د»: ایهام: «شیرین» دو معنا دارد: ۱- مطبوع، لطیف، دل‌پذیر ۲- معشوق فرهاد و خسرو / بیت «ه»: «مس» استعاره از «وجود شاعر» / بیت «ج»: اسلوب معادله: «هر کس به اندازه‌ی تواضعی که دارد، سربلند می‌گردد، همان‌طور که قطره‌ای ناچیز از فروتنی، گوهر می‌گردد.» / بیت «ب»: «سرای دیده» و «خیل خیال» تشبیه / بیت «الف»: تلمیح دارد به داستان خسرو پرویز و شیرین

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی)

۶-

(داود تالشی)

«جواب تلخ» حس‌آمیزی / ایهام تناسب: «شور» دو معنا دارد: ۱- هیجان (معنای مورد نظر شاعر) ۲- مزه‌ی شوری که با «شیرین» تناسب دارد. / «جواب تلخ شیرین‌تر از شکر بودن» تناقض / «کام (دهان) جان» استعاره (اضافه‌ی استعاری) (زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی)

۷-

(ممنسن اصغری)

شرح حال آمده در گزینه‌ی «۴»، مربوط به «محمود درویش» است. / «جبرا ابراهیم جبرا» در سال ۱۹۲۶ میلادی در ناصره دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی را در فلسطین و دوره‌های عالی را در دانشگاه کمبریج انگلستان و هاروارد آمریکا در رشته‌ی ادبیات انگلیسی گذراند. چند داستان کوتاه نیز از او به عربی و انگلیسی چاپ شده است. (ادبیات فارسی ۲، صفحه‌ی ۷۴)

۸-

(مریم شمیرانی)

«سه تفنگدار» اثر الکساندر دوما است.

(ادبیات فارسی ۲، بخش اعلام)

۹-

(مرتضی منشاری - اردیبل)

آیا / مسیح / - / دگر / بود / او / که / می / فرمود / زنده / است / مرد / ه / آن / که / دان / ان / است / - / ۲۳ تکواژ

**تشریح گزینه‌های دیگر**

گزینه‌ی «۲»: چه / روز / ها / که / به / دل / می / گریست / - / م / خاموش / به / شور / بخت / ی / ی / اسفندیار / - / روی / این / تن / - / ۲۰ تکواژ

گزینه‌ی «۳»: بنا / ی / کاخ / - / سخن / را / که / بر / کشید / - / بلند / ان / یافت / - / هیچ / ز / باد / و / آفتاب / گزند / - / ۲۰ تکواژ

گزینه‌ی «۴»: به / روی / و / موی / چو / دهقان / - / سال / خورد / ه / به / چشم / - / من / همه / در / هیئت / - / پیام / بر / بود / - / ۲۲ تکواژ

(زبان فارسی ۳، صفحه‌ی ۱۵)

۱۰-

(شیرین پنگیزی)

دانسته‌اند - چهارجزئی با مفعول و مسند / می‌پردازد - سه‌جزئی با متمم / به‌وجود می‌آورد - سه‌جزئی با مفعول / ادامه می‌دهند - سه‌جزئی با مفعول

(زبان فارسی ۳، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۶)

۱۱-

(ممنسن اصغری)

در گزینه‌ی «۳»، واژه‌های «طالع‌بین، بیابان‌گرد، وطن‌خواه، تعجب‌آور» براساس «اسم + بن مضارع - صفت» ساخته شده‌اند.

در سایر گزینه‌ها: واژه‌ی «دست‌بند» از «اسم + اسم - اسم»، واژه‌ی «خوشتن‌شناس» از «ضمیر + بن مضارع - صفت»، واژه‌ی «توآموز» از «صفت + بن مضارع - صفت»، واژه‌های «دورنما، روکش، بالاپوش» از «صفت / قید + بن مضارع - اسم»، واژه‌های «گوش‌مال و نامه‌رسان» از «اسم + بن مضارع - اسم»، «خدانشناس، خداپسند، وطن‌خواه» از «اسم + بن مضارع - صفت» ساخته شده‌اند.

(زبان فارسی ۳، صفحه‌ی ۱۲۴)

۱۲-

(سراسری زبان - ۹۲)

قلچماق: صفت «مرد» / ریخت: مفعول فعلی «داشت» / صاحب: مفعول فعلی «نداره» / خود: بدل واژه‌ی «پوستش» / دست‌کم: قید

(زبان فارسی ۳، صفحه‌های ۶۳ و ۹۴ و ۹۶)

۱۳-

(مریم شمیرانی)

۱) «شاهزاده‌ی افسون‌شده» بدل برای «صفهان» / ۲- به و یادام: معطوف / ۳- «باغ منجمد و رمزآلود»: بدل برای «بهار جاویدان» / ۴- منجمد و رمزآلود: معطوف / ۵- رنگ‌ها و نقش‌ها: معطوف

نقش‌های تبعی عبارت‌اند از: ۱- معطوف ۲- بدل ۳- تکرار

(زبان فارسی ۳، صفحه‌ی ۹۶)

۱۴-

(کاظم کاظمی)

بیت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی «۲»، بر خوش‌باشی درویشان در عالم درویشی (فقر اختیاری) تأکید دارند.

**تشریح گزینه‌های دیگر**

گزینه‌ی «۱»: ترجیع دادن گدایی درگاه معشوق بر پادشاهی جهان

گزینه‌ی «۳»: بیانگر درویش نوازی است.

گزینه‌ی «۴»: تهی‌دستی عاشق و آمادگی برای نثار کردن دل در راه معشوق

(ادبیات فارسی ۲، مشابه صفحه‌ی ۹۲)

۱۵-

(میرم شمیرانی)

«بمیرید، پیش از آن که بمیرید». یا مرگ اختیاری، پیام اصلی عبارت صورت سؤال است و در گزینه ۲، نیز شاعر معتقد است که مردن و محاسبه خود پیش از مرگ، هستی واقعی به انسان می بخشد. در گزینه های دیگر، مقصود از مرگ، مردن جسم است.

**تشریح گزینه های دیگر**

گزینه ۱: «۱»: حتی اگر پادشاه هم باشی، خواهی مرد.

گزینه ۳: «۳»: اگر بلندترین مراتب را داشته باشی، خواهی مرد.

گزینه ۴: «۴»: بدان که دولت تو پایدار نیست و خواهی مرد.

(ادبیات فارسی ۲، صفحه ۱۶۷)

۱۶-

(حسن روزبیکر)

بیت های «الف، ج، د» با بیت صورت سؤال قرابت معنایی دارند و بر تقابل عقل و عشق دلالت می کنند.

(ادبیات فارسی ۲، صفحه ۱۷۴)

۱۷-

(سراسری تهری - ۹۲)

ضرب المثل «ز ماست که بر ماست» به این مفهوم اشاره دارد که ریشه های شکست آدمی در اندیشه و کردار خود اوست و فرجام بد هر فرد، نتیجه اعمال خودش است که همین مفهوم در گزینه های «۲، ۳ و ۴» نیز مشهود است، اما گزینه ۱ «۱» می گوید که انسان های کامل از عیب و کاستی خود، بیش تر از هنرشان بهره می برند، هم چنان که طاووس از پای خودش، بیش تر از بال های زیبایش بهره می برد.

(ادبیات فارسی ۲، صفحه ۴۱)

۱۸-

(سیرمسن نورانی مکرم دوست)

هر دو مورد اشاره به این دارند که خداوند برای این که شناخته شود، در جهان هستی تجلی کرده است.

(ادبیات فارسی ۲، صفحه ۱۷۰)

۱۹-

(میرم شمیرانی)

در بیت صورت سؤال و بیت گزینه ۴، «۴»، «بام» یعنی «بامداد».

**تشریح گزینه های دیگر**

گزینه ۱: «۱»: «بام گردان» منظور آسمان است. / گزینه ۲: «۲»: «بام»: پشت بام / گزینه ۳: «۳»: «بام»: پشت بام

(زبان و ادبیات فارسی پیش دانشگاهی، صفحه ۴۶)

۲۰-

(سراسری زبان - ۹۲)

مفهوم بیت صورت سؤال این است که حسن تو، در جهان عشق آفرین شد که این معنی در گزینه های «۲، ۳ و ۴» نیز آمده است، اما گزینه ۱ «۱»، حسن تدبیر و جهان داری ممدوح را ستایش می کند.

(زبان و ادبیات فارسی پیش دانشگاهی، صفحه ۸)

عربی ۲

۲۱-

(درویش علی ابراهیمی)

«کان»: بود / «شهرأ»: بلندآوازه، مشهور / «مکانة عظيمة»: مقامی بزرگ / «قد منعه»: او را بازداشتنه بود (در این جا) / «ذکاء»: زیرکی اش، تیزهوشی اش / «أن يكون مقلداً»: که مقلد باشد / «آراء غیبه»: نظریات دیگران / «کانت ... تجذب»: جذب می کرد (ماضی استمراری) / «الکثیرین»: خیلی ها، بسیاری

۲۲-

(مسین رضایی)

«کان لنا»: داشتیم / «أستاذ»: استادی / «يَعْرِفُ ...»: که می شناخت (جمله ی وصفیه و ماضی استمراری) / «میزات الأعمال الفنیة»: ویژگی های هنری کارها / «يَعْلَمُ»: می آموخت (ماضی استمراری) / «تلامیذه»: شاگردانش، دانش آموزانش

۲۳-

(معدی ترابی)

«مُلْت»: پُر شد (فعل مجهول) / «أذنا»: گوش ها، دو گوش (در اصل «أذنان» بوده که به دلیل مضاف شدن نون آن حذف شده است.) / «اللَّصَّ»: دزد / «بالْقُطْن»: با پنبه / «لَمْ يَسْمَعْ»: نشنید / «صوت الجرس»: صدای زنگ / «قريب»: نزدیک

**نکته ی مهم درسی**

«لم + مضارع» به صورت «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» ترجمه می شود.

۲۴-

(امیر طریقی)

ترجمه ی صحیح عبارت در این گزینه، این گونه است: «و آنچه که از آن ها می دانیم، در زندگی ما، اندک است.»

**نکته ی مهم درسی**

گاهی کلمه ی «ما» در ابتدای کلام، به صورت اسم موصول عام یا مشترک به کار می رود که در این صورت به شکل «آنچه که» ترجمه می شود.

۲۵-

(مسین رضایی)

مضمون این بیت، تشویق به دوستی و پرهیز از دشمنی است، لذا با مفهوم عبارت صورت سؤال (آدمی به دین دوستش است.)، یعنی تأثیرپذیری انسان از دوست خود، مناسبتی ندارد.

**تشریح گزینه های دیگر**

گزینه ۱ «۱»: هر کس با گروهی دوستی کند او را یکی از آنان به شمار می آوریم.

گزینه ۲ «۲»: دو دوست مانند آینه ی تمام نمای یکدیگر هستند.

گزینه ۴ «۴»: درباره ی شخص سؤال نپرس و درباره ی دوستش پیرس پس هر دوستی به همتا (ی خود) اقتدا می کند.

۲۶-

(مسین رضایی)

«صاحب علم»: ذا العلم / «بهره می برد»: يَنْتَفِعُ من / «تمام نمی شود»: لَا يَنْقُذُ / «نگهبان»: الحارس / «نیز»: أَيْضاً / «به ... نیاز ندارد، به ... احتیاج ندارد»: لَا يَحْتَاجُ إِلَى

**نکته ی مهم درسی**

«إن» می تواند یک تکیه کلام باشد و معادلی در ترجمه فارسی نداشته باشد.

۲۷-

(اسماعیل یونس پور)

«آیات علمی»: موصوف و صفت معرفی هستند و هر دو باید با «ال» بیایند، «کثیرة» خبر مشتق است و چون مبتدا «الآیات» مؤنث است لازم است خبر نیز به صورت مؤنث به کار رود. در ضمن «ما توانسته ایم» فعل ماضی نقلی است و تعریب صحیح آن «نحن قد اسْتَطَعْنَا، نحن قد قدرنا» است و تعریب «با ... آشنا شویم» به صورت «أَنْ نَعْرِفَ عَلِي ...» صحیح است.

### ترجمه‌ی درک مطلب:

«دانشمند ایرانی معروف به «ابن سینا» بیش از هزار سال پیش در یکی از روستاهای بخارا متولد شد و در کودکی‌اش علوم دینی و ادبی را آموخت و در زندگی خود از لحاظ پزشکی شهرت یافته جز این‌که او آشنا به داروسازی و ریاضیات و فیزیک بود و او کسی است که رصدخانه اصفهان را تأسیس کرد و به بررسی ستارگان مشغول شد. و در طول زندگی‌اش ۱۳۰ کتاب تألیف کرد و در اروپا به‌درستی ملقب به «پادشاه پزشکان» شد. ابن سینا همراه با پدرش به جلسه‌های علمی‌ای می‌رفت که در آن‌ها مردانی بزرگ شرکت می‌کردند، آن‌جا که مباحث، عمیق و جدی بود و او در آن‌ها شرکت می‌کرد و به سؤالات فلسفی پاسخ می‌داد به‌صورتی که شگفتی حاضران را تا حدی برمی‌انگیخت که به پدرش می‌گفتند: پسر آعجوبه (نابغه) است. پس پادشاه نوح بن منصور به ابن سینا اجازه داد از کتابخانه‌ی بزرگش استفاده کند و هنگامی‌که از خواندن و نوشتن خسته می‌شد به گفتن شعر روی می‌آورد، پس او از شاعران نیز بود.»

-۲۸

(ابوالفضل تأیید)

در این گزینه آمده است که ابن سینا در همه‌ی جهان مشغول رصد ستارگان بود که با توجه به متن او فقط در اصفهان این کار را انجام می‌داد.

-۲۹

(ابوالفضل تأیید)

در پاسخ به این سؤال که چرا حاضران می‌گفتند: «پسر نابغه است!» باید گفت: زیرا او به‌صورتی پاسخ می‌داد که شگفتی آن‌ها را برمی‌انگیخت.

-۳۰

(ابوالفضل تأیید)

صورت کامل اعراب‌گذاری: «حِينَ كَانَ يَتَعَبُ مِنَ الْقِرَاءَةِ وَالْكِتَابَةِ يَتَجَهَّ إِلَى نَظْمِ الشَّعْرِ فَهُوَ كَانَ مِنَ الشُّعْرَاءِ.»

«کان»: فعل ماضی و مبنی بر فتح و اسم آن ضمیر مستتر «هو» و محلاً مرفوع / «يَتَعَبُ»: فعل مضارع ثلاثی مجرد معلوم و خبر «کان» و محلاً منصوب (صورت مجهول آن در این عبارت نادرست است، زیرا کلمه‌ای که دال بر معنای فاعل باشد در جمله وجود دارد (من القراءة)). / «القراءة»: مجرور به حرف جر / «الكتابة»: معطوف و به تبعیت مجرور / «يَتَجَهَّ»: فعل مضارع مرفوع و فاعل آن ضمیر مستتر «هو» و محلاً مرفوع / «نظم»: مجرور به حرف جر / «الشعر»: مضاف‌آلیه و مجرور / «الشعراء»: مجرور به حرف جر (غیرمنصرف است که به‌دلیل داشتن «ال» کسره را می‌پذیرد).

-۳۱

(ابوالفضل تأیید)

### تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: «مجرد ثلاثی» و «فاعله «إعجاب» نادرست هستند.

گزینه ۳: «مبنی» نادرست است.

گزینه ۴: «لازم» و «فاعله «إعجاب» نادرست هستند.

-۳۲

(ابوالفضل تأیید)

### تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: «جامد» و «منصرف» نادرست هستند.

گزینه ۲: «مقصود» و «مضاف‌آلیه» نادرست هستند.

گزینه ۳: «منصرف» و «محلاً» نادرست هستند.

-۳۳

(معدی ترائی)

«سعیده» معرفه (علم) / «صدیقه» معرف به اضافه / «ها» در «صدیقها» و «الف» در «تحرمان» معرفه (ضمیر) / «المعلمه» معرف به ال (۴ نوع معرفه)

### تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: «إحدى» معرف به اضافه / «الطالبات»، «الكتاب» و «الف» معرف به ال (۲ نوع)

گزینه ۳: «حفظ» و «جهد» معرف به اضافه / «النفس» و «العظیم» معرف به ال / «ک» معرفه (ضمیر) (۳ نوع)

گزینه ۴: «نا» معرفه (ضمیر) / «سبیل» معرف به اضافه / «العمل» معرف به ال (۳ نوع)

-۳۴

(اسماعیل یونس‌پور)

«خیراً» اسم «لا»ی نفی جنس است و به‌صورت مبنی بر فتح و محلاً منصوب به‌کار می‌رود و تتوین نمی‌گیرد و صحیح آن «خیر» است.

### تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: «أصبحوا» فعل ناقصه و اسمش ضمیر بارز «واو» و «أتمه» خبر «أصبح» و منصوب است.

گزینه ۲: «فی بیت» شبه‌جمله و خبر مقدم برای «کان» و محلاً منصوب و «مصباح» اسم مؤخر «کان» و مرفوع است.

گزینه ۳: «الشمس» اسم «كأن» و «القمر» و «النجوم» معطوف به آن و منصوب و «مصاییح» خبر «كأن» و مرفوع است.

-۳۵

(اسمدر طریقی)

با توجه به این‌که کلمه‌ی «امتحان»، یک اسم مذکر مجازی است، لذا، عدد «چهار» برای آن، مؤنث می‌آید و «أربعة امتحانات»، درست است. عددهای سایر گزینه‌ها، درست به‌کار رفته‌اند.

### نکته‌ی مهم درسی

عددهای اصلی از ۳ تا ۱۰، از جهت جنس (مذکر یا مؤنث) باید برعکس مفرد معدود خودشان باشند.

-۳۶

(درویشعلی ابراهیمی)

در این گزینه، صفت به‌کار نرفته است.

در سایر گزینه‌ها به‌ترتیب جمله‌های «یطلب»، «یصدقونی» و «هما یتقاتلان» نقش صفت دارند.

-۳۷

(سراسری تبری- ۸۸)

در این گزینه، فعل «أَجْعَلُ» به شکل نادرست تبدیل به مجهول شده است. شکل درست مجهول این فعل با توجه به این‌که نایب فاعل آن کلمه‌ی «عزة» می‌باشد به این صورت است: «تُجْعَلُ عَزَّتِي فِي الصَّدَقِ.»

## دین و زندگی ۲

۳۸-

(سراسری ریاضی- ۸۹)

منظور از «ما»ی جازمه همان «ما»ی شرط است و «تعلم» فعل شرط و «تحصد» جواب شرط می‌باشد که هر دو با «ما» مجزوم شده‌اند.

### تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۲: «ما» کلمه‌ی «ما» حرف نفی است (دوستم هنگامی که از کنارش گذشتم، مرا شناخت).

گزینه ۳: «ما» کلمه‌ی «ما» اسم استفهام است (نوع بویی که در خیابان پخش می‌شد چیست؟).

گزینه ۴: «ما» کلمه‌ی «ما» حرف نفی است (فخر نیست مگر برای اهل علم، به راستی که آن‌ها بر هدایت هستند).

۳۹-

(امده طریقی)

در این گزینه، «علماء» مبتدا و مرفوع به اعراب اصلی، «رَسَائِلُ» مفعول به و منصوب به اعراب اصلی، «المجالات» مضاف الیه و مجرور به اعراب اصلی است، بنابراین در این گزینه، هیچ موردی از اعراب فرعی به کار نرفته است.

### تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۲: «هارون» و «أَزْهَدُ» اسم‌های غیرمنصرف و مجرور به حرف جر به اعراب فرعی (مجرور به فتحه) هستند.

گزینه ۳: «المُفَكِّرِينَ» جمع مذكر سالم، مضاف الیه و مجرور به اعراب فرعی (مجرور به «ی» است و «مَدَارِسُ» اسم غیرمنصرف و مجرور به حرف جر (مجرور به فتحه)، یعنی مجرور به اعراب فرعی است.

گزینه ۴: «يُوسُفُ» اسم غیرمنصرف و مجرور به حرف جر به اعراب فرعی (مجرور به فتحه) است و «السَّائِلِينَ» جمع مذكر سالم، مجرور به حرف جر به اعراب فرعی (مجرور به «ی» است).

۴۰-

(معدی تریاب)

کلمه‌ی «أصوات» جمع مکسر است و جمع مؤنث سالم نمی‌باشد، لذا در حالت نصب، اعراب اصلی دارد و به صورت «أصواتکم» صحیح می‌باشد.

ترجمه‌ی عبارت: «صداها پتان را بالاتر از صدای معلّمتان نیرید.»

### تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۲: «صدقات» جمع مؤنث سالم است و در حالت نصبی، اعراب فرعی به کسره دارد.

گزینه ۳: کلمه‌ی «أَحْسَنُ» بر وزن «أَفْعَلُ» غیرمنصرف است، اما به دلیل مضاف بودن می‌تواند اعراب اصلی کسره را بپذیرد.

گزینه ۴: کلمه‌ی «مساجد» غیرمنصرف است و به دلیل مضاف بودن می‌تواند اعراب اصلی کسره را بپذیرد.

۴۱-

(مرتضی ممسنی کبیر)

با توجه به عبارات «اندازه‌های مخصوص و متناسب را برقرار کرد»، آیات شریفه‌ی «أَنَا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» و «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى» نتیجه می‌شود و با توجه به عبارت «محکم و استوار»، آیه‌ی شریفه‌ی «صَنَّ اللَّهُ الَّذِي آتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ» و با توجه به عبارت «به بهترین شکل طراحی کرد»، آیه‌ی شریفه‌ی «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَهُمْ صُورَهُمْ فَحَسَنَ صُورَهُمْ» نتیجه می‌شود.

(دین و زندگی ۲، درس‌های ۱ و ۲، صفحه‌های ۵، ۶، ۱۳ و ۱۷)

۴۲-

(سراسری ریاضی- ۹۲، با تغییر)

با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی ۲۵ سوره‌ی روم: «وَمِنَ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بآمِرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ» و از نشانه‌های اوست که آسمان و زمین به فرمان او برپاست، سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از زمین فرا خواند ناگهان، (همه) خارج می‌شوید، برپایی آسمان‌ها و زمین به فرمان خدا و خارج شدن ناگهانی انسان‌ها از قبرها از نشانه‌های حکمت الهی است. (اندیشه و تحقیق)

(دین و زندگی ۲، درس ۲، صفحه‌ی ۲۸)

۴۳-

(مسلم بهمن آباری)

بیت مذکور به فطرت خداشنای انسان اشاره دارد، یعنی هر کس در خود می‌نگرد یا به تماشای جهان می‌نشیند خدا را می‌یابد و محبتش را در دل حس می‌کند.

(دین و زندگی ۲، درس ۳، صفحه‌ی ۳۷)

۴۴-

(مسلم بهمن آباری)

توصیه‌ی حضرت یعقوب (ع) به عدم ابراز رؤیای خود (حضرت یوسف (ع)) به برادرانش از آیه‌ی شریفه‌ی «أَنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كُوكَبًا وَ...» و خبردادن از سختی‌های طبیعی پیش رو، اشاره به ۷ سال قحطی در مصر دارد، خواب عزیز مصر بود و توسط حضرت یوسف (ع) در زندان تعبیر شد که مفهوم حاصل از آیه‌ی «وَسَبِّحْ سُبُّحَاتٍ وَ...» است. (ذکر نمونه‌ها)

(دین و زندگی ۲، درس ۴، صفحه‌ی ۴۶)

۴۵-

(مهمربسن خضلعی)

مرگ در دیدگاه منکران معاد، انهدام و نیستی و در دیدگاه پیامبران الهی، انتقال به جهانی دیگر است. همچنین با توجه به پیامدهای دیدگاه منکران معاد، گروهی که می‌کوشند راه غفلت از مرگ را پیش بگیرند، خود را به هر کاری سرگرم می‌سازند تا آینده‌ی تولخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند.

(دین و زندگی ۲، درس ۵، صفحه‌های ۵۳ و ۵۴)

۴۶-

(سیرامسان هندی)

عبارات «تلف شدن استعدادها در پی تعدی متجاوزان» و «محدودیت نظام دنیا در مجازات واقعی ظالم» و آیات «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ» و «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ»، بیانگر ضرورت معاد در پرتو عدل الهی و عبارت «به دنبال افول ناشدنی‌ها بودن» و آیه‌ی «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِآيَاتٍ بَيِّنَاتٍ» بیانگر ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی است.

(دین و زندگی ۲، درس ۶، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۵)

۴۷-

(مفسرین فضلعلی)

این سخن پیامبر (ص) مربوط به آثار ما تأخر اعمال است، یعنی اعمالی که انسان در زمان حیات خود انجام می‌دهد و آثاری دارد که برخی از این آثار بعد از حیات او هم باقی می‌ماند، یعنی با این که فرد از دنیا رفته، پرونده‌ی عملش همچنان گشوده است و آثار عمل در آن ثبت می‌گردد. آیه‌ی «أَنَا نَحْنُ نَحْيِي الْمَوْتَى وَنُكَتِبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ» موید این امر است. (دین و زندگی، ۲، درس ۷، صفحه‌های ۷۱ و ۷۳)

۴۸-

(امین اسیران پور - مسلم بهمن آبادی)

مفهوم به دست آمده از آیات شریفه «حتی اذا ما جاءوها شهد علیهم سمعهم و ابصارهم...» ناظر بر این معناست که اختفای معاصی گناهکاران در دوزخ مبتنی بر پندار نادرست آنان بر ناآگاهی خداوند از کردار آنان است، همچنین گزینشی «۳» نادرست است، زیرا در آخرت تنها باطن و حقیقت اعمال بر انسان عرضه می‌شود نه ظاهر و جسم اعمال که از بین رفته است. (اندیشه در آیات)

(دین و زندگی، ۲، درس ۸، صفحه ۸۱)

۴۹-

(سراسری انسانی - ۹۲)

طبق آیات ۱۹ و ۲۵ سوره‌ی حاقه «فَأَمَّا مَنْ أَوْتَىٰ كِتَابَهُ بِیَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابِيهِ» و «وَأَمَّا مَنْ أَوْتَىٰ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ لِمَ أُوتِيَ كِتَابِيهِ» به ترتیب اصحاب یمین ابراز خرسندی خود را با بیان عبارت «هَؤُلَاءِ...» و اصحاب شمال ابراز ناخرسندی خود را با بیان عبارت «لِمَ أُوتِيَ كِتَابِيهِ...» نشان می‌دهند.

در دادگاه عدل الهی، معیار و وسیله‌ی سنجش اعمال، عین حق و حقیقت است، همچنین معیار و وسیله‌ی سنجش اعمال، حق است، یعنی به میزانی که مشتمل بر حق و عدل باشد، ارزشمند و سنگین است.

(دین و زندگی، ۲، درس ۸، صفحه‌های ۷۸ و ۸۱)

۵۰-

(امین اسیران پور)

به ترتیب محل وقوع آیات «حتی اذا جاءوها فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا» جهنم اخروی، «قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ...» برزخ، «أَلَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ...» بهشت برزخی و «وَأُولَئِكَ مَاؤَاهُمُ جَهَنَّمُ...» جهنم برزخی است.

(دین و زندگی، ۲، درس‌های ۷ و ۹، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰ و ۸۵)

۵۱-

(مفسرین فضلعلی)

در عالم رستاخیز، پاسخ فرشتگان به دوزخیان این است که: «أَيَا رَسُولَانِي مِنْ خُودَتَانِ» برایتان نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما می‌خواندند و شما را از دیدار این روزتان می‌ترساندند و بیم می‌دادند؟ و پاسخ کافران تصدیق این امر است. (قَالُوا بَلَى)

(دین و زندگی، ۲، درس ۹، صفحه ۸۵)

۵۲-

(مرتضی ممسنی کبیر)

توکل سبب تحرک و پویایی توکل‌کننده است، چون در آیه‌ی شریفه ۱۵۹ آل عمران ابتدا مشورت و سپس عزم مطرح شده و بعد از آن توکل آمده است و عبارت شریفه «أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ مِنْ مَمْسَكَاتِ رَحْمَتِهِ» که در آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی زمر آمده است، اشاره دارد که همه چیز از او است و اگر او خواهد رحمتی را برساند هیچ کس نمی‌تواند مانع شود لذا به غیر او نمی‌توان توکل و تکیه کرد.

(دین و زندگی، ۲، درس ۱۰، صفحه‌های ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۹)

۵۳-

(مسلم بهمن آبادی)

بر اساس فرمایش خداوند در آیه‌ی شریفه «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» حضرت ابراهیم (ع) به قوم مشرک خود می‌گفت که بین ما و شما دشمنی و کینه‌ی دائمی وجود دارد و تنها عامل از بین برنده‌ی آن، ایمان به خدای یگانه است.

(دین و زندگی، ۲، درس ۱۱، صفحه ۱۱۴)

۵۴-

(امین اسیران پور)

عبارت شریفه «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنُ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يَفْلَحُ الظَّالِمُونَ» پاسخ حضرت یوسف (ع) به زلیخا همسر عزیز مصر است. (اندیشه و تحقیق)

(دین و زندگی، ۲، درس ۱۲، صفحه ۱۳۲)

۵۵-

(عسکر امیرکلانی اندری)

مطابق آیات قرآن کریم، در ابتدا و مقدم بر هر چیز، وظیفه‌ی مردان مؤمن است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کرده و دامان خود را از گناه نگاه دارند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ...» زنان مسلمان از همان ابتدا موی سر خود را می‌پوشانند ولی با حدود آن آشنا نبودند تا این که از جانب خدا به پیامبر (ص) دستور رسید روسری و پوشش‌هایشان را به خود نزدیک کنند تا اطراف صورت و گریبان آنان نیز پوشیده شود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِلزَّوْجِ الْكَافِرِ وَالْبَنَاتِ وَالنِّسَاءِ الْمُؤْمِنَاتِ يَدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ...»

(دین و زندگی، ۲، درس ۱۳، صفحه‌های ۱۳۵ و ۱۳۷)

۵۶-

(مرتضی ممسنی کبیر)

اگر وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر به روش درست انجام نگیرد، نتیجه‌ی معکوس دارد. جدی تلقی کردن احکام ضروری اشاره به شرایط امر به معروف و نهی از منکر و بهره‌مندی از استدلال و منطق و شیوه‌های مختلف تربیتی، اشاره به مرحله‌ی دوم از مراحل امر به معروف و نهی از منکر دارد.

(دین و زندگی، ۲، درس ۱۴، صفحه‌های ۱۵۱ و ۱۵۲)

۵۷-

(کیومرث نصیری)

بنابر آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی مائده: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ...» خداوند پس از ارسال ۱۲ پیشوا برای قوم بنی‌اسرائیل با آنان اتمام حجت کرد و پیمان بست که اگر کسی نماز را برپا دارد، زکات بپردازد، به رسولان ایمان بیاورد و قرض‌الحسنه بدهد، گناهان او زوده می‌شود و زندگی در بهشت جاوید نصیب او می‌شود. (اندیشه و تحقیق)

(دین و زندگی، ۲، درس ۱۵، صفحه ۱۷۳)

۵۸-

(مسلم بهمن آبادی - سیدامسان هنری)

اگر کسی که روزه گرفته پیش از ظهر مسافرت کند و بخواد به بیش از چهار فرسخ برود، وقتی به حد ترخص برسد باید روزه‌ی خود را باطل کند. اگر کسی که روزه است بعد از ظهر مسافرت کند باید روزه‌ی خود را تمام کند. اگر مسافر بعد از ظهر به وطن یا جایی که می‌خواهد ده روز بماند برسد وظیفه‌اش آن است که نباید آن روز را روزه بگیرد. (اندیشه و تحقیق)

(دین و زندگی، ۲، درس ۱۶، صفحه ۱۸۷)

-۵۹

(امین اسیران پور)

پس از شناخت خداوند به عنوان تنها خالق و آفریننده جهان (توحید در خالقیت) و ... تنها تکیه گاه و پشتیبان جهان (توحید در ربوبیت) درمی یابیم که تنها وجود شایسته ی پرستش و اطاعت خداست. (توحید در عبادت)  
هم چنین هادی به غایت جهان بودن خداوند مبین توحید در ربوبیت و حق تصرف مربوط به توحید در ولایت است و تصور بر استقلال توانایی شفا بخشی پیامبر اکرم (ص) عین شرک در ربوبیت است.

(دین و زندگی پیش دانشگاهی، درس های ۲ و ۳، صفحه های ۱۷، ۱۸ و ۲۳)

-۶۰

(سیرامسان هنری)

در آیه ی ۱۰۴ سوره ی انعام خداوند از شیوه ی راهنمایی خود با انسان سخن می گوید: خداوند رهنمودهای خود را به انسان اعلام می کند، این انسان است که باید انتخاب کند و چون انسان اختیار دارد، اگر انتخاب کرد و ضرر دید، این ضرر از خودش به او رسیده و اگر به انتخاب خوبی دست زد این خوبی هم از ناحیه ی خودش می باشد و عبارت «ما انا علیکم بحفیظ» هم بیانگر آن است که از انسان سلب اختیار نمی شود. این موضوع نقطه ی مقابل عقیده ی «جبری گری» است که فرصت را برای زورگویان و تجاوزگران به حقوق مردم فراهم می کند و آنان ثروت به چنگ آورده را موهبت الهی معرفی می کنند و مدعی می شوند که تقدیر الهی این را رقم زده که عده ای ثروتمند و عده ای فقیر باشند.

(دین و زندگی پیش دانشگاهی، درس ۵، صفحه های ۳۲ و ۳۶)

### زبان انگلیسی ۳

-۶۱

(عیب الله سعادت)

ترجمه ی جمله: «اگر قول بدهید به شخص دیگری نگویید، به شما خواهم گفت چه مقدار برای آن (پول) پرداختم.»

#### نکات مهم درسی

بعد از فعل "promise" فعل به صورت مصدر به کار می رود که در صورت منفی بودن، قبل از آن "not" به کار می بریم. در ضمن، بعد از کلمات "wh-" پرسشی و "how (much, many, ...)" در وسط جمله، ساختار جمله به صورت خبری خواهد بود، نه سؤالی. به این نکته نیز توجه کنید که "pay for" یک فعل دو کلمه ای جدانشدنی است که اسم و ضمیر مفعولی "it" هر دو باید بعد از آن قرار گیرند.

-۶۲

(مهرسین زاهری)

ترجمه ی جمله: «این جلسه برای چیست؟»  
«ما قصد داریم تصمیم بگیریم که چگونه از متخصصان به خاطر نجات شرکت مان از ضرر و زیان های بسیار تشکر کنیم.»

#### نکات مهم درسی

با توجه به مفهوم سؤال و جواب استنباط می کنیم که نیت قبلی وجود دارد، بنابراین از "be going to" استفاده می کنیم.  
در قسمت دوم، فعل "thank" با حرف اضافه ی "for" به کار می رود و بعد از حرف اضافه نیز فعل "ing-" دار به کار می رود.

-۶۳

(علیرضا یوسف زاده)

ترجمه ی جمله: «متأسفانه، کمک مردم سراسر جهان این امکان را برای مردم سوریه فراهم نکرده که جنگ را خاتمه دهند.»

#### نکته ی مهم درسی

به ساختار «مصدر با "to" + (مفعول + "for") + صفت» دقت کنید.

-۶۴

(سراسری انسانی - ۹۱، با تغییر)

ترجمه ی جمله: «اجرای کارش در حد انتظارات کارفرمایش نبود.»

- |           |                  |
|-----------|------------------|
| (۱) تولید | (۲) اندازه گیری  |
| (۳) رقابت | (۴) انتظار، توقع |

-۶۵

(سراسری زبان - ۸۹، با تغییر)

ترجمه ی جمله: «آیا نیازهای جامعه مهم تر از حقوق فرد است؟»

- |              |            |
|--------------|------------|
| (۱) دوستی    | (۲) مشارکت |
| (۳) فرد، شخص | (۴) عضویت  |

-۶۶

(پوار مؤمنی)

ترجمه ی جمله: «با اشاره به تلاش هایش در جهت کاهش سطح بیکاری، رئیس جمهور گفت بازگرداندن افراد بی کار به سرکار یک وظیفه ی اخلاقی است.»

- |                                |                               |
|--------------------------------|-------------------------------|
| (۱) تشویق کردن - مشاهده، نظارت | (۲) ادامه دادن - جذابیت       |
| (۳) جست و جو کردن - آمادگی     | (۴) اشاره کردن - وظیفه، اجبار |

#### ترجمه ی متن Cloze Test:

تصمیم درباره ی این که چه کلاس هایی را بردارند می تواند برای دانشجویان دانشگاه دشوار باشد. برخی از کلاس ها ضروری هستند، مانند کلاس هایی که فهرست دروس اصلی را تشکیل می دهند، اما باقی توسط دانشجو انتخاب می شوند. بعضی دانشجویان تنها می خواهند موضوعاتی را مطالعه کنند که اساساً کاربردی خواهند بود، که به آن ها مهارت های خاصی برای شغلشان می دهد یا آن ها را برای مدرسه ای که درجات بالاتر از لیسانس می دهد [مدرسه ای دارای تحصیلات تکمیلی]، آماده می کند. از طرفی دیگر، بسیاری از دانشجویان دوست دارند از این فرصت بهره ببرند تا با گرفتن بازه ی وسیعی از کلاس ها، از هنر (گرفته) تا علوم، و از انگلیسی (گرفته) تا اقتصاد، در موضوعات جدید در دانشگاه کنکاش کنند.

-۶۷

(پوار مؤمنی)

- |                             |                |
|-----------------------------|----------------|
| (۱) معاینه کردن، بررسی کردن | (۲) نیاز داشتن |
| (۳) بحث کردن                | (۴) آموزش دادن |

-۶۸

(پوار مؤمنی)

- |             |                     |
|-------------|---------------------|
| (۱) مختصراً | (۲) سریعاً، به سرعت |
| (۳) اساساً  | (۴) به دقت          |

-۶۹

(پوار مؤمنی)

- |                |                  |
|----------------|------------------|
| (۱) آماده کردن | (۲) خودداری کردن |
| (۳) اجازه دادن | (۴) قدغن کردن    |

ترجمه متن درک مطلب دوم:

فوتبال که معمولاً به آن ساکر هم گفته می‌شود، محبوب‌ترین بازی در اروپا و آمریکای جنوبی است و به‌طور گسترده‌ای در بقیه‌ی جهان نیز بازی می‌شود. بیش‌تر کشورها به سازمان بین‌المللی، که این ورزش را اداره می‌کند، فدراسیون بین‌المللی فوتبال (FIFA)، متعلق‌اند.

این‌که چه وقت این بازی شروع شد، واقعاً مشخص نیست. قطعاً چیزی شبیه به آن در زمان رومیان و قرون وسطی بازی می‌شد، ولی این فرم اولیه‌ی بازی آن‌قدر خشن بود که توسط هفت پادشاه ممنوع شد. تا این‌که در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم در مدارس انگلستان شروع کرد به گرفتن فرم امروزی خود. حتی در آن موقع هم قوانین بسیار متنوعی وجود داشت. هر جا زمین باز در دسترس بود، داشتن بازیکنان بیش‌تری مجاز بود و هم‌چنین «دست زدن» و «لگد زدن» نیز مجاز بود. عاقبت در ۱۸۶۳ سازمان فوتبال (FA) تأسیس شد تا درباره‌ی مجموعه‌ای از قوانین استاندارد تصمیم بگیرد. نکته‌ای که بیش‌تر افراد در موردش اختلاف نظر داشتند، حق «ضربه زدن» یا «لگد زدن» شدید برای گرفتن توپ بود و وقتی این (حق) ممنوع شد، باعث شد فوتبال و راگی که تا آن زمان گونه‌هایی از بازی یک‌سان به‌شمار می‌آمدند، در نهایت راهشان از هم جدا شود.

(شواهد اناری)

۷۵-

ترجمه‌ی جمله: «متن، عمدتاً درباره‌ی محبوب‌ترین بازی در اروپا و آمریکای جنوبی است.»

درباره‌ی گزینه‌ی «۳» هم صحبت شده است، اما خیلی جزئی است و به کل متن بر نمی‌گردد.

(شواهد اناری)

۷۶-

ترجمه‌ی جمله: «کدام گفته طبق متن صحیح نیست؟»  
«همه می‌دانند این بازی دقیقاً چه زمانی شروع شد.»

(شواهد اناری)

۷۷-

ترجمه‌ی جمله: «شکل امروزی فوتبال در مدارس انگلیسی در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم شکل گرفت.»

(شواهد اناری)

۷۸-

ترجمه‌ی جمله: «طبق متن، اتحادیه‌ی فوتبال تأسیس شد تا درباره‌ی مجموعه‌ای از قوانین استاندارد تصمیم بگیرد.»

(مهم‌ترین آشنا)

۷۹-

ترجمه‌ی جمله: «وقتی حضار به برافروختگی من به دلیل دادن جواب غلط خندیدند، تقریباً از خجالت مُردم.»

- (۱) نگرانی - اعتماد به نفس (۲) خجالت - برافروختگی  
(۳) نگرانی - تمرکز (۴) آسیب - حالت، خلق و خو

(شعرا ممیوبی)

۸۰-

ترجمه‌ی جمله: «مزارع عمدتاً در بازی ۱۰ تا ۴۰ هکتار بودند، گرچه قطعه‌های بزرگ‌تر نیز وجود داشت.»

- (۱) به‌طور محکم و استوار (۲) مستقیماً، به‌طور مستقیم  
(۳) عمدتاً، بیش‌تر (۴) مخصوصاً، به‌طور ویژه

(بوار مؤمنی)

۷۰-

(۱) واقعی (۲) فوری

(۳) عریض، وسیع (۴) آموزش‌دیده، تحصیل کرده

ترجمه متن درک مطلب اول:

راه‌های مختلفی برای دسته‌بندی کردن حافظه‌ها وجود دارد. یک دسته‌بندی پایه‌ای و عموماً مورد پذیرش حافظه براساس مدت زمان یادسپاری حافظه است که آن را به حافظه‌ی حسی، کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم می‌کند.

توانایی نگاه کردن به یک چیز و به‌خاطر آوردن این‌که آن شبیه چیست با تنها یک لحظه مشاهده یا به حافظه سپردن، مثالی از حافظه‌ی حسی است. ظرفیت حافظه‌ی حسی تقریباً ۱۲ مورد است اما آن خیلی سریع، در عرض چند صد میلی ثانیه، کاهش می‌یابد.

برخی از اطلاعات در حافظه‌ی حسی، سپس، به حافظه‌ی کوتاه مدت انتقال داده می‌شود. حافظه‌ی کوتاه مدت به فرد این امکان را می‌دهد که چیزی را از چند ثانیه تا مدت زمان یک دقیقه بدون تمرین به‌خاطر آورد. ظرفیت آن هم‌چنین خیلی محدود است. آزمایش‌ها سابقاً نشان می‌دادند که ذخیره‌ی حافظه‌ی کوتاه‌مدت  $7 \pm 2$  مورد است. برآوردهای جدید از ظرفیت حافظه‌ی کوتاه‌مدت کمتر هستند، معمولاً در حدود ۴ یا ۵ مورد.

ذخیره‌سازی در حافظه‌ی حسی و کوتاه‌مدت معمولاً یک ظرفیت و زمان شدیداً محدودی دارند که به این معناست که اطلاعات برای دوره‌ی مشخصی از زمان در دسترس‌اند. برعکس، حافظه‌ی بلندمدت می‌تواند مقادیر به مراتب بیش‌تری از اطلاعات را به‌مدت زمان بالقوه نامحدودی، گاهی به اندازه‌ی تمام عمر، ذخیره کند.

(رضا کیاسالار)

۷۱-

ترجمه‌ی جمله: «تقسیم حافظه به سه مرتبه بر این اساس است که اطلاعات چه مدت نگه داشته می‌شوند.»

(رضا کیاسالار)

۷۲-

ترجمه‌ی جمله: «حافظه‌ی بلند مدت بالاترین ظرفیت را برای ذخیره‌ی اطلاعات دارد.»

(رضا کیاسالار)

۷۳-

ترجمه‌ی جمله: «کدام یک از (موارد) زیر طبق متن صحیح است؟»  
«اطلاعات در حافظه‌ی حسی خیلی سریع از بین می‌روند.»

(رضا کیاسالار)

۷۴-

ترجمه‌ی جمله: «دسته‌بندی سه مرحله‌ای یک دسته‌بندی رایج از حافظه است.»